

## کتاب کمال الدین و تمام النعمه



نوشته: ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی،.

معروف به شیخ صدوق.

مصحح: علی اکبر غفاری.

ناشر: مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین، قم.

شماره صفحه ها: 668. ابن بابویه، در قم، چشم به جهان گشود. در نزد فقهای بزرگ و محدثان نامداری چون: علی بن بابویه (پدر خود) محمد بن حسن بن ولید، احمد بن علی بن ابراهیم هاشم قمی، احمد بن محمد بن یحیی عطار اشعری قمی، حسن بن ادریس قمی، حمزه بن محمد علوی و... دانش فقه و حدیث را فرا گرفت(1).

روح جست و جو گرش آرام نگرفت و برای بهره گیری از محضر عالمان دیگر اسلامی، به سیر و سیاحت پرداخت:.

در سال 347 ه. ق به ری رفت و در آن جا به محضر ابوالحسن محمد بن احمد بن علی اسدی، راه یافت و از وی حدیث شنید.

در سال 352 ه. ق. به نیشابور رفت و از علمای آن جا، استفاده برد.

آن گاه به مشهد، کوفه، بغداد، همدان، بلخ، سرخس، ایلاق و مکه مکرمه رفت و از متخصصان فن حدیث، حدیث آموخت(2).

شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، در مقدمه معانی الاخبار، تا دویست و پنجاه و دو تن، از بزرگان را که شیخ صدوق، از آنان استفاده کرده، یاد می کند.

شیخ صدوق، با کوشش فراوان، در راه کسب و دانش، به مقامهای عالی علمی دست یافت و در رشته حدیث، به جایی رسید که (رئیس المحدثین) نام گرفت. (3).

شیخ طوسی درباره شخصیت والای ایشان می نویسد:.

(ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، دانشمند جلیل القدر، بزرگوار، حافظ احادیث صاحب نظر در رجال و ناقد اخبار بوده است. در میان دانشمندان قم، در حفظ و کثرت علم، کسی مانند وی، دیده نشده است. وی، نزدیک به سیصد کتاب، داشته است.) (4). از جمله آثار وی، کمال الدین و تمام النعمه است که گویا، پس از بازگشت از سفر مشهد، در سال 252 ه. ق. نگاشته است و انگیزه خود را از نگاشتن آن، چنین اعلام می دارد:.

(آنچه مرا واداشت که به نگارش این کتاب بپردازم چنین بود: از زیارت حضرت امام رضا، صلوات الله علیه، به نیشابور برگشتم . دیدم. شیعیان آن جا درباره قائم(عج) مسأله دار شده اند. سعی کردم، آنان را با بیان روایاتی که از پیامبر(ص) و ائمه(ع) رسیده به راه درست، رهنمون گردم. در این روزگار، بزرگی از مشایخ فضل و دانش و تقوا، از اهالی قم، به نام: نجم الدین ابو سعید محمد بن احمد بن علی بن صلت قمی، ادام الله توفیقه، در بازگشت از سفر بخارا، بر ما وارد شد. روزی درباره آراء و باورهای برخی از فلاسفه و علمای منطق بخارا گفت: از آنان درباره حضرت قائم(عج) سخنانی شنیدم که مرا در مورد غیبت طولانی حضرت، دچار حیرت و تردید کرده است. من مطالبی در اثبات وجود حضرت مهدی(عج) برای زدودن تردید از او بیان کردم و روایاتی درباره غیبت، بر او خواندم، حیرت او بر طرف شد و دلش آرام گرفت. از من خواست، کتابی درباره غیبت حضرت مهدی(عج) بنویسم پذیرفتم و به او وعده دادم که ان شاء الله وقتی به وطن خود (ری) برگشتم آن را عملی خواهم ساخت. تا این که شبی در خواب دیدم خانه کعبه را طواف می کنم و به حجرالاسود رسیدم و آن را استلام کردم ناگاه دیدم، مولی صاحب الزمان(ع)، پهلوئی در کعبه ایستاده است. سلام کردم . حضرت جواب دادند.

فرمود: چرا کتابی راجع به (غیبت) نمی نویسی، تا ناراحتی ات برطرف شود.

عرض کردم: یابن رسول الله(ص) من کتابها درباره غیبت شما نوشته ام.

حضرت فرمود: نه ، آن موضوعات را نمی گویم، کتابی راجع به غیبت من بنویس و غیبتهای پیامبران را در آن نقل کن. سپس از نظرم غایب شد. من با اضطراب از خواب بیدار شدم و تا طلوع فجر، به گریه و زاری پرداختم، چون صبح شد، به منظور انجام امر ولی الله و حجت خدا، آغاز به نوشتن این کتاب کردم.) (5).

این اثر نفیس، در دو نوبت به گونه سنگی در ایران و یک نوبت به گونه حروفی در نجف و یک مرتبه با ترجمه چاپ شده است ولی، این چاپها،

افتادگی، تحریف و اشتباه فراوان دارد.

از این روی، آقای علی اکبر غفّاری، به تصحیح آن پرداخته و مؤسسه نشر اسلامی، به گونه زیبا و مطلوب، آن را چاپ و نشر داده است. در تصحیح و مقابله این کتاب، بر هفت نسخه خطی اعتماد شده، از جمله:.

1. نسخه کتابخانه شخصی آیت الله ربّانی شیرازی.

2. نسخه کتابخانه شخصی محدث ارموی به خط نستعلیق، همراه علل الشرایع.

3. نسخه حاج باقر ترقّی.

4. نسخه کتابخانه میرزا حسن مصطفوی تبریز.

5. سه نسخه دیگر، از کتابخانه آیت الله مرعشی.

کتاب، پس از خطبه و مقدمه طولانی، که بخش عظیمی از کتاب را در بر گرفته، آغاز می شود. در مقدمه، مباحث کلامی سودمندی به رشته تحریر در آمده که مصحح محترم بحثهای مطرح شده را تفکیک کرده و با عناوین زیر، آورده است:.

الخلیفة، قبل الخلیفة.

وجوب طاعة الخلیفة.

لیس لاحد ان یختار الخلیفة الا الله عزوجل.

وجوب وحدة الخلیفة فی کل عصر.

لزوم وجود الخلیفة.

وجوب عصمة الامام.

السر فی امره تعالی الملائكة بالسجود لادم علیه السلام.

وجوب معرفة المهدي (عج) فرجه.

اثبات الغیبة والحکمة فیها.

آن گاه به پاسخ از شبهات می پردازد و دیدگاههای گروههای گوناگون، چون: کیسانی، ناووسی، واقفیه و زیدیه را در باب غیبت امام عصر(ع) به بوته نقد و بررسی می نهد و خرده گیریهای ابن بشّار و پاسخ ابن قُبه رازی و... را می آورد.

بر وجود امام غایب و این که از عترت است و ظهور می کند و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، دلایل محکم، متین و منطقی اقامه می کند.

پس از این، گزارشی دارد خواندنی از مناظره ای که بین او و یکی از ملحدان، در حضور رکن الدوله امیر سعید، انجام گرفته است.

در نقض و ابرام مسائل کلامی که از سوی مخالفان مطرح شده، کلام را به اوج می رساند و مباحث جالبی را عرضه می دارد(6) کتاب، در 57 باب تنظیم شده که مطالب مهم آن، بدین شرح است:.

1. انبیا و حجت‌های الهی که مدتی از دیدگان پنهان بوده اند: ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی، عیسی و...

2. کسانی که دارای عمر طولانی بوده اند.

3. نیاز بشر به امام.

4. سخنان پیشوایان دین درباره غیبت.

5. کسانی که به محضر حضرت مشرف شده اند.

6. اخبار و روایاتی که بیانگر نشانه های ظهورند.

7. توقیعات صادر شده از ناحیه مقدسه.

...

گرچه در این اثر از همه گونه احادیث: صحیح، ضعیف، حسن و مردود استفاده شده، ولی شیخ صدوق در اثبات غیبت و ظهور و دیگر مطالب حسّاس، سعی می کند براحتی صحیح اعتماد کند.

کتاب، دائرة المعارف روایی است با دسته بندی بسیار جالب در باب موضوعات مربوط به امام عصر(ع).